

نقش توسعه‌ی جوامع روستایی در کارآفرینی

محمد شجاع‌الدینی*

استادیار دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران

مهرناز بنی‌اعمام

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

مسعود شفیعی

استاد دانشگاه امیرکبیر، تهران، ایران

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۲/۲۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۰۴

چکیده

در شرایط فعلی اقتصادی ایران که نرخ بالای بیکاری، کندی تحرک در بخش‌های اقتصادی از جمله صنعت و محدودیت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی از مشخصه‌های آن است، توجه به توسعه روستایی اهمیت دوچندان دارد. کارآفرینان روستایی با شناخت صحیح فرصت‌ها و استفاده از سرمایه‌های راکد و با سازماندهی و مدیریت منابع غیرفعال به رشد اقتصادی کشور کمک می‌کنند. در این فرایند بدون اتکا به دولت و در بخش غیردولتی ایجاد اشتغال می‌شود. آموزش مهارت به روستاییان از طریق توسعه‌ی کار شایسته، فرصت‌های جدید روستاها را کشف و از آنها بهره‌برداری می‌کند که در نتیجه به رفع تنگناهای جامعه روستایی منجر می‌شود. در این نوشتار، با هدف شناخت و تحلیل قابلیت‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان روستایی در فرایند توسعه‌ی روستایی، عوامل مؤثر در توسعه توانایی کارآفرینی روستاییان بررسی شده است و موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی مورد بازشناسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی

اشتغال، توسعه روستایی، راهکارهای توسعه، کارآفرینی و موانع.

۱. مقدمه

طبق آمار سازمان ملل متحد حدود ۶۲ درصد جمعیت کل دنیا را روستاییان تشکیل می‌دهند که در آسیا و آفریقا این نسبت حتی به ۷۶ درصد می‌رسد (پوررجب، ۱۳۸۹). روستاها به‌عنوان کوچک‌ترین واحد از تقسیمات کشوری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. بی‌شک تلاش برای کاهش مسایل و مشکلات این واحدهای اجتماعی و استقرار مناسب آنها در چرخه توسعه، نیازمند توجه ویژه است. تجربیات توسعه‌ی روستایی در کشورهای مختلف جهان در چند دهه‌ی گذشته نشان می‌دهد که این مهم فقط با تزریق سرمایه و فناوری تحقق نمی‌یابد، بلکه عوامل بسیاری از جمله کارآفرینی در آن نقش دارند. توجه به روحیه کارآفرینی بین روستاییان و از جمله کشاورزان از مهم‌ترین راهکارهای توسعه‌ی روستایی محسوب می‌شود (حسینی و سلیمان‌پور، ۱۳۸۵).

کارآفرینی به‌عنوان یک مدل توسعه‌ی اقتصادی می‌تواند در جوامع روستایی به‌وسیله‌ی افزایش شغل و درآمد، ایجاد ثروت و بهبود کیفیت زندگی و جلوگیری از مهاجرت روستاییان مؤثر باشد. همچنین کارآفرینی به‌عنوان یک راهکار، جوانان و خانواده‌های جوان را به مناطق روستایی جذب می‌کند و سبب توسعه‌ی روستایی و به‌دنبال آن پایداری روستا می‌شود (Anonymous, 2009).

در کشورهای در حال توسعه به‌ویژه ایران بخش روستایی به‌دلیل مغفول واقع شدن امر توسعه در آن، نتوانسته است از تمام ظرفیت‌های موجود در روستا برای پیشرفت و افزایش بهره‌وری استفاده نماید. بنابراین، زمینه‌های فراوانی برای توسعه‌ی آن وجود دارد که تحقق آن نیازمند نیروی انسانی توانمند، خلاق و نوآور است. توسعه‌ی پایدار و شتابان بخش روستایی نیازمند نیروی انسانی کارآمد، خلاق و کارآفرین و همچنین وجود زمینه‌های رشد و بالندگی اجتماعی است. خروجی نظام متداول آموزش روستایی ایران نتوانسته است انتظارات را برآورده سازد. مراکز آموزش روستایی به‌ویژه در سطوح عالی برای تربیت نیروی انسانی خلاق، نوآور و کارآفرین ضرورتی انکارناپذیر است. اگرچه کارآفرینی تنها راهکار اشتغال‌زایی و افزایش درآمدهای مردم روستایی نیست، اما بی‌شک بهترین و بهره‌ورانه‌ترین بخش آن است.

بر همین اساس، با هدف شناخت و تحلیل قابلیت‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان روستایی در فرایند توسعه روستایی، با توجه به وضعیت کنونی، هدف‌هایی به‌منظور برآورده ساختن نیازهای بازار کار و فرایند توسعه‌ی بخش روستایی تدوین شده است.

۲. مفهوم و سابقه کارآفرینی

شخص کارآفرین، اساس مفهوم کارآفرینی است و کارآفرینی، یک پدیده‌ی انفرادی یا تیمی است که کارآفرینان (و نه بسترهای محیطی)، ریشه و منشأ فرایند آن هستند. این تعریف به تأثیر محیط بر کارآفرین شدن فرد توجهی ندارد. طبق این تعریف، کارآفرینان افرادی هستند که ویژگی‌های شخصیتی ویژه‌ای دارند. کارآفرینی به معنی ایجاد کسب و کار یا شرکت به‌عنوان بخشی از رویکرد رفتاری و زمینه‌ای به کارآفرینی، در تضاد با رویکرد اول (ویژگی‌ها) است. این رویکرد بر این که کارآفرین چه کاری انجام می‌دهد، تمرکز می‌کند، نه این که کارآفرین کیست. طبق این تعریف، کارآفرینی در خلأ شکل نمی‌گیرد بلکه شرکت‌ها در شرایط محلی، صنعتی و محیطی خاصی امکان ظهور پیدا می‌کنند (سیدامیری و هندیجانی‌فرد، ۱۳۹۴).

سابقه‌ی آموزش کارآفرینی از منظر کاتز به سال ۱۸۷۶ برمی‌گردد. برخی آغاز آموزش کارآفرینی به‌طور عام را از دانشگاه هاروارد و از سال ۱۹۴۷ می‌دانند. در اوایل دهه هشتاد میلادی در آمریکا، ۳۰۰ دانشگاه در زمینه کارآفرینی واحدهای درسی ارائه می‌کردند. در دهه‌ی نود، این تعداد به ۱۰۵۰ رسید و در سال ۲۰۰۴، ۲۲۰۰ درس در این زمینه در ۱۶۰۰ دانشکده ارائه می‌شده است. به‌علاوه، ۴۴ مجله و حدود ۱۰۰ بنیاد و مرکز علمی در این زمینه فعال هستند. در کانادا مدارس ایالت کبک تأکید زیادی بر کارآفرینی به‌عنوان یک فرایند پویا که افراد را به‌صورت فردی یا گروهی توانمند می‌سازد، دارند تا آنها را برای ابتکارات جدید آماده سازند. در فنلاند در سال‌های ۱۹۹۰ آموزش کارآفرینی با اهداف و خط‌مشی آموزشی در تمام سطوح نظام آموزشی ترکیب شده است. در سطوح ابتدایی بیشتر مباحث ساده‌ی نظری و کاربردی و در سطوح دبیرستان مباحثی مانند بازاریابی، آموزش کسب و کار، صنایع دستی و زراعت ارائه می‌شود. در کشورهای عضو اتحادیه اروپا آموزش کارآفرینی در طی دوره‌ی ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ مدنظر قرار گرفت و تا ۲۰۰۶ نیز ادامه یافت.

روستاییان محسوب می‌شود و فرصت‌های مناسبی را برای کاهش خطر معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می‌کند. کارآفرینی روستایی، دارای عناصر پایه‌ای است که تمرکز عمده‌ی آنها بر فراهم کردن زیرساخت‌های اساسی روستا (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری) و خدماتی است که کاهش فقر و تسریع زمینه‌های رشد اقتصادی روستا را فراهم می‌سازد.

در بین راهبردهای توسعه‌ی روستایی، راهبرد راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک در روستاها به‌عنوان یکی از راهبردهای مبتنی بر رویکرد اقتصادی، از عمده‌ترین روش‌های افزایش کیفیت زندگی به‌شمار می‌رود (امین‌آقایی، ۱۳۸۷). بسیاری از اقتصاددانان توسعه معتقدند که ضرورت بخش خوداشتغالی قوی در یک اقتصاد نقش مهمی را در فرایند توسعه‌ی همه‌جانبه ایفا می‌کند، صرف‌نظر از این که یک منبع درآمد و اشتغال برای ساکنین روستا باشد (Mohapatra et.al, 2007).

۴. کاربرد کارآفرینی در توسعه روستایی

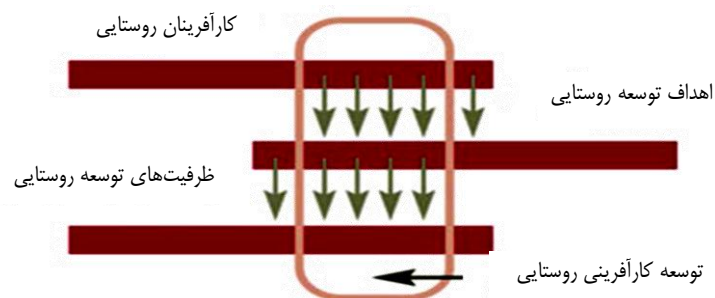
اقتصاددانان کارآفرینی را مهم‌ترین عامل توسعه‌ی اقتصادی در روستا می‌دانند. سیاست‌مداران کارآفرینی را یک راهبرد کلیدی برای جلوگیری از اغتشاش و ناآرامی‌های اجتماعی در روستاها برمی‌شمرند. همچنین روستاییان آن را ابزاری برای بهبود درآمد خویش و زنان آن را امکانی برای اشتغال در مجاورت محل سکونت خود برای خودکفایی، استقلال و تأمین روابط و نیازهای اجتماعی خود می‌دانند (Laukkanen, 2003). پیوند سازمان‌یافته میان اهداف توسعه‌ی روستایی و توسعه‌ی کارآفرینی بسیار مهم است و از ترکیب مناسب این اهداف، رفتارهای کارآفرینی روستایی در راستای توسعه‌ی اقتصادی شکل می‌گیرد و این خود محیط کارآفرینی در روستا را بهبود می‌بخشد (رکن‌الدین‌افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹).

ژاپن اولین کشوری است که ترویج کارآفرینی را از سطح دبیرستان شروع کرد. اکنون ۲۵۰ مؤسسه‌ی بزرگ کارآفرینی در ژاپن فعالیت دارند. بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲ بیش از ۹۶ درصد نوآوری صنعتی این کشور توسط همین مؤسسات تولید شد. هندی از دهه‌ی ۱۹۶۰ تاکنون گام‌های زیادی برای توسعه صنعتی برداشته و این روند را افراد مبتکر و خبره با ایجاد مؤسسات کارآفرینی شتاب بیشتری بخشیدند. در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ تعداد ۵۰۰ مؤسسه کارآفرینی هندی شروع به کار کرده است. در آمریکا هر سال بیش از یک میلیون فعالیت تجاری جدید توسط افراد و مؤسسات کارآفرین ایجاد می‌شود و این موضوع موتور محرکه‌ی اقتصاد این کشور به‌شمار می‌آید. دولت انگلستان به دانشگاه‌ها جهت آموزش کارآفرینی از راه‌های مختلف یارانه پرداخت می‌کند. دولت هلند نیز فقط در ۱۹۹۸ کارکنان بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط را تحت پوشش آموزش‌های حرفه‌ای برد و در دانشگاه‌های ایتالیا ۸۵۵ دوره‌ی کسب و کار برای ۱۰۰۰۰ نفر برگزار شد.

۳. کارآفرینی روستایی

کارآفرینی روستایی هیچ تفاوتی با مفهوم عام کارآفرینی ندارد، بلکه تنها در شیوه‌ی اجرای کارآفرینی روستایی با مناطق شهری اختلاف وجود دارد. شرایط خاص مناطق روستایی مانند بالا بودن ریسک، کمبود امکانات و ضعف مدیریت در این نواحی باعث می‌شود که زمینه‌های کارآفرینی در این نواحی متفاوت با سایر نواحی باشد (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷).

به این ترتیب، کارآفرینی در محیط مناطق روستایی گسترده‌تری زیادی دارد و به‌دلیل تسلط بخش کشاورزی در اغلب مناطق روستایی، تأکید عمده‌ی مطالعه بر کارآفرینی کشاورزی است؛ زیرا توسعه‌ی کارآفرینی روستایی، قابلیتی برای کمک به تنوع‌بخشی به درآمد و میزان تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی



شکل ۱. پیوند توسعه‌ی کارآفرینی با توسعه‌ی روستایی

همواره به‌عنوان اهرمی کاربردی در راستای فعال ساختن پتانسیل‌های منابع روستایی در نواحی غیرتوسعه یافته به‌کار می‌روند. با توجه به موارد ذکر شده اهمیت آموزش به‌منظور افزایش بهره‌وری بهینه از منابع انسانی، خصوصاً آموزش جوانان روستایی برای پیشبرد اهداف توسعه در بخش کشاورزی و روستایی کاملاً روشن است.

قبل از آموزش جوانان روستایی با هدف افزایش سطح اطلاعات و مهارت علمی و فنی آنان، لازم است نیازهای آنان شناسایی شود و این آموزش متناسب با نیازهای‌شان پیش رود. بنابراین نخستین مرحله در برنامه‌ریزی آموزشی - ترویجی شناسایی نیازهای آموزشی جامعه‌ی هدف می‌باشد (Ghimire & Martin, 2011).

برنامه‌های توسعه روستایی باید به‌مواردی همچون ایجاد اشتغال، توسعه‌ی اجتماعی، کاهش مهاجرت به شهر، افزایش سطح رفاه و آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر توجه داشته باشد. البته پایداری برنامه‌های توسعه‌ی روستایی زمانی است که خود مردم روستا با اتکا به خود، آن را اجرا نمایند (بهرامی، ۱۳۸۳).

امروزه، توسعه‌ی روستاها در مقایسه با گذشته پیوند گسترده‌تری با مفهوم کارآفرینی یافته است. کارآفرینی در نواحی روستایی در جست‌وجوی ترکیب واحدی از منابع موجود هم در درون و هم بیرون از فعالیت‌های کشاورزی است و در پی خلق فرصت‌های جدید جهت ایجاد کسب و کار و درآمدزایی است.

اقتصاددانان معتقدند کارآفرینی سه نتیجه‌ی مفید برای جوامع دارد (Kader, 2007):

۱. اشتغال مفید، پایدار و مولد؛
۲. نوآوری‌های تأثیرگذار در عرصه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی؛
۳. ثروت و رفاه

در اغلب مناطق روستایی جهان شغل اصلی روستائیان کشاورزی است. در مناطق روستایی، مشاغل غیرکشاورزی هم یافت می‌شوند، اما آنها از لحاظ اقتصادی در درجه‌ی دوم اهمیت قرار دارند، حتی در برخی نقاط، کشاورزی جنبه کار و کسب و نوعی صنعت را پیدا کرده است (گل محمدی، ۱۳۸۳).

به هر حال کارآفرینی روستایی در پی یافتن ترکیبی مناسب از منابع برای فعالیت‌های اقتصادی برای دستیابی به بیشترین سود ممکن است. از این جهت تفاوتی با کارآفرینی در شهر ندارد جز این که باید آن را در فضای روستا دنبال کرد (پترین، ۱۳۸۱). زمینه‌های استفاده از کارآفرینی در نواحی روستایی بسیار گسترده و متنوع است. درواقع این نواحی، محیطی بکر برای بروز کارآفرینی محسوب می‌شوند (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷).

در این میان به‌دلیل این که کشاورزی از بخش‌های اساسی اقتصاد کشور است؛ رشد و توسعه‌ی آن، مبنای راهیابی سرمایه‌گذاری، اشتغال و ارائه خدمات به سمت مناطق روستایی و کاهش بیکاری و اشتغال‌زایی این بخش می‌شود و زمینه‌ساز رشد و توسعه‌ی سایر بخش‌ها از جمله صنعت، خدمات، حمل و نقل و انرژی می‌شود (شکویی، ۱۳۸۴). فعالیت‌های مربوط به بخش کشاورزی از جمله زراعت، باغداری، پرورش انواع دام و طیور و زنبور عسل و فعالیت‌های جنگل‌داری، آبخیزداری، حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست مهم‌ترین زمینه‌های بروز کارآفرینی در نواحی روستایی است (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷).

یافته‌های علمی نشان می‌دهد با گسترش و توسعه‌ی کارآفرینی در مناطق روستایی، زمینه‌ی بهره‌مندی روستائیان از کالاها و خدمات رو به فزونی می‌گذارد و در نهایت، رشد اقتصادی و متعاقب آن توسعه‌ی روستایی محقق می‌شود (Bantel & Jackson, 2000).

بنابراین، در راستای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی و افزایش زمینه‌ی فعالیت‌های مشارکتی در نواحی روستایی، ضرورت دارد عوامل و دلایل تأثیرگذار بر موفقیت افراد روستایی و زمینه‌های افزایش کارآفرینی در جهت بهبود وضعیت اقتصادی روستائیان در نواحی روستایی بررسی شود. توسعه‌ی کارآفرینی در روستاها همچنین تأثیر زیادی در کاهش مهاجرت روستائیان به شهرها دارد (هزار جریبی، ۱۳۸۴).

امروزه، جوانان روستایی بخش عظیمی از جمعیت و نیروی کار جامعه را تشکیل می‌دهند و به‌عنوان بازوی کار در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده‌های روستایی نقش ارزنده‌ای دارند. بنابراین لزوم توجه به نیازهای قشر جوامع روستایی و هدایت آنها در افزایش توانایی‌ها و مهارت‌های فنی و اجتماعی بر هیچ‌کس پوشیده نیست (شه‌بازی، ۱۳۷۲). جوانان روستایی

۵. سیاست‌گذاری برای توسعه‌ی کارآفرینی در روستا

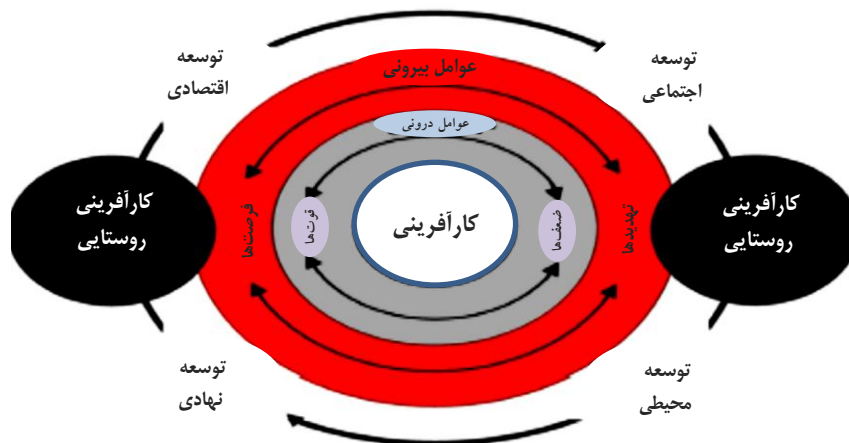
از جمله سیاست‌ها و راهکارهای مهمی که می‌توانند در فرایند کارآفرینی کشاورزی اثر داشته باشند و منجر به توسعه‌ی کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی شوند، عبارتند از:

۱. توسعه زیرساخت‌های اجتماعی؛
۲. انجام توأم تحقیق و توسعه؛
۳. افزایش کیفیت نیروی انسانی؛
۴. افزایش کیفیت مدیریت؛
۵. توسعه آموزش (با تحریک انگیزه‌ها، پرورش ویژگی‌ها و آموزش مهارت‌ها)؛
۶. توسعه فناوری (احمدپورداریانی، ۱۳۸۰).

باید گفت که خلق کسب و کارهای جدید در قلمرو کشاورزی و روستایی در محیط مناسبی مشتمل بر تأمین کمک‌های مالیاتی، اعطای زمین، تسهیلات بانکی و غیره امکان‌پذیر است (Wortman, 1990).

زمینه‌های استفاده از کارآفرینی در نواحی روستایی و در بخش کشاورزی بسیار گسترده و متنوع است. در واقع این نواحی،

محیط بکری برای بروز کارآفرینی محسوب می‌گردند. فعالیت‌های مربوط به بخش کشاورزی از جمله زراعت، باغداری، گلخانه، پرورش انواع دام و طیور، زنبور عسل و فعالیت‌های جنگل داری، آبخیزداری، حفظ و توسعه‌ی محیط‌زیست، توسعه‌ی صنایع روستایی و صنایع تبدیلی از جمله صنایع خانگی، دستی، کارگاهی و کارخانه‌ای، گردشگری روستایی و عشایری، فعالیت‌های مربوط به عشایر، مسکن روستایی، مکانیزاسیون در کشاورزی، اصلاح روش‌های آبیاری و توسعه‌ی روش‌های نوین آن، ماشین‌آلات کشاورزی، اجرای طرح‌های بهسازی محیط روستاها و... مهم‌ترین زمینه‌های بروز کارآفرینی در بخش کشاورزی و نواحی روستایی است. در واقع کلیه‌ی اقداماتی که می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به ایجاد اشتغال و درآمد و بهره‌برداری مطلوب و پایدار به نیازهای جامعه روستایی و بخش کشاورزی توجه نموده و به بهبود کیفیت زندگی در نواحی روستایی و مناطق کشاورزی یاری رسانند در قلمرو کارآفرینی بخش کشاورزی و روستایی قرار می‌گیرند (سلجوقی، ۱۳۹۲).



شکل ۲. عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی روستایی و کشاورزی (رکن‌الدین افتخاری و سجاسی قیداری، ۱۳۸۷).

۶. موانع و محدودیت‌های گسترش کارآفرینی

در مناطق روستایی، به‌رغم وجود افراد خلاق، نوآور و کوشا، سبک فعالیت کارآفرینانه نهادینه نشده است، زیرا موانع و محدودیت‌های گوناگونی مانند ناآشنایی از عدم پذیرش و تشویق و نیز تأمین مالی کشاورزان، ارائه‌ی پیشنهادها و طرح‌های بدون نقشه‌ی قبلی و طراحی نشده، عدم پاسخ سریع به ایده‌ها و پیشنهادها و فقدان سیستم پیشنهادها، عدم

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که کارآفرینی روستایی راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی در جهت کاهش شکاف شهر و روستا، ایجاد فرصت‌های برابر اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی می‌باشد و ابزاری مهم برای رسیدن به توسعه پایدار است (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹).

جنگلی و مرتعی، بهبود مدیریت و اصلاح شیوه‌های تولید در بخش‌های کشاورزی، توسعه‌ی صنایع تبدیلی زودبازده در مناطق مستعد، اقتصادی نمودن کالاهای کشاورزی و روستایی، دستیابی همگانی به آموزش‌های مقدماتی، ترویج و بهبود شکاف‌های طبقاتی و ارتقای توانمندی‌های زنان روستایی، ارتقای سطح سلامت، ایجاد محیط‌های زندگی مفرح و نشاط‌انگیز، حمایت مؤثر از تشکیل و توسعه‌ی تعاونی‌ها و ایجاد و گسترش مجتمع‌های تعاونی روستایی، تشکیل گروه‌های پس‌انداز خودگردان برای تأمین بخشی از نیازهای مالی پروژه‌های کارآفرینی، ایجاد سیستم‌های اعتباری کوچک به منظور ارائه‌ی تسهیلات مثل تأسیس بانک روستایی، ایجاد مراکز آموزشی تلفیقی به منظور ارائه‌ی خدمات آموزش و مشاوره در زمینه‌های مختلف بازاریابی، مراقبت از حیوانات اهلی، صنایع دستی و سایر مهارت‌های مورد نیاز.

۸. نتیجه‌گیری

با توجه به راهکارهای ارائه شده جهت تقویت کارآفرینی در مناطق روستایی، می‌توان نتیجه گرفت که عوامل اساسی و مهم در رسیدن به توسعه‌ی کارآفرینی در مناطق روستایی شامل این موارد می‌شوند: الف. توسعه‌ی فرهنگ کارآفرینی، که نوعی فرهنگ اجتماعی است که رفتار کارآفرینانه را تشویق و حمایت می‌کند؛ ب. ایجاد بستر لازم برای تربیت کارآفرینان روستایی؛ ج. تشویق روستاییان به مشارکت فعالانه در طرح‌های کارآفرینی روستایی و د. تشویق سازمان‌های دولتی و غیردولتی به حمایت از فعالیت‌های کارآفرینی در روستاها. امروزه، واحدهای اقتصادی فعال در روستاها، نیازمند آشنایی با طیف وسیعی از دانش‌ها و مهارت‌ها هستند و روستاییان، به‌ویژه جوانان روستایی اغلب از سطح مهارت کمتری در این زمینه برخوردارند. برگزاری دوره‌ی آموزش کارآفرینی و ارائه‌ی مشاوره در این زمینه، از سیاست‌های عمده‌ی توسعه‌ی کارآفرینی در روستاها می‌تواند باشد. مهارت‌های مورد نیاز که تأکید می‌شود: مهارت‌های علمی و فنی، براساس نوع فعالیت صنعتی، مهارت‌های مدیریتی و مهارت‌های کارآفرینی است. توسعه‌ی زیرساخت‌های کارآفرینی، فراهم آوردن امکان دسترسی به سرمایه به‌خصوص سرمایه‌های مخاطره‌پذیر، اعطای وام به کارآفرینان، توسعه‌ی امکانات حمل و نقل و گسترش

اطمینان از سرقت ایده‌ها، فقدان دورنمای مشترک از نوآوری، وجود تنش و نارضایتی (Heritot, 2002)، عدم دسترسی به اطلاعات موثق و شفاف، ساختار مکانیکی، فقدان فرهنگ حمایت از کارآفرینی، فاصله با بازار و خدمات، شکاف در دسترسی به سرمایه، کاهش فرصت‌های شبکه‌ای و ارتباطی، و نبود خوشه‌های صنعتی تسریع‌کننده‌ی نوآوری، گسستگی‌های درونی میان جامعه‌ی روستایی، ناآگاهی از چگونگی استفاده از دانش، منابع و شبکه‌های موجود برای ورود به محیط جدید (Edward & Stuart, 2004)، همه سبب اندک بودن تعداد افراد کارآفرین در بین روستاییان شده است.

۷. راهکارهای مؤثر جهت گسترش کارآفرینی در مناطق روستایی

در خصوص راهکارهای لازم برای توسعه‌ی کارآفرینی در مناطق روستایی نظریات گوناگونی مطرح شده که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

فرجی‌سبکبار و همکاران (۱۳۸۹) سیاست‌ها و راهکارهای مهمی را که می‌تواند در فرایند کارآفرینی روستایی، شکل مؤثری داشته باشند و منجر به توسعه‌ی کارآفرینی در مناطق روستایی گردند شامل موارد زیر می‌داند:

۱. توسعه زیرساخت‌های اجتماعی؛
۲. انجام توأم تحقیق و توسعه؛
۳. افزایش کیفیت نیروی انسانی؛
۴. افزایش کیفیت مدیریت؛
۵. توسعه‌ی آموزش (با تحریک انگیزه‌ها، پرورش ویژگی‌ها و آموزش مهارت‌ها)؛
۶. توسعه‌ی تکنولوژی.

از دیدگاه رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۸۹) مهم‌ترین راهکارهای تقویت‌کننده‌ی کارآفرینی محلی عبارتند از ایجاد محیط و زمینه‌های پیش از کارآفرینی (ظرفیت‌سازی)، ایجاد زمینه‌ی خودباوری (توانمندسازی)، شدت‌بخشی به رشد از طریق تحرک‌بخشی.

شفقت و همکاران (۱۳۸۹) عنوان نمودند که راهبردهای بلندمدت توسعه‌ی کارآفرینی روستایی عبارتند از: ایجاد شرایط ویژه برای معکوس نمودن روند مهاجرت، اصلاح و تغییر الگوی توزیع و مصرف انرژی، توسعه و بهینه‌سازی شبکه‌های حمل و نقل، ممنوعیت تغییر کاربری اراضی باغی، زراعی و عرصه‌های

۱۴. شفقت، ا؛ درویش، ح؛ نامدار، ع. و غلامی، ر. (۱۳۸۹)، «مجموعه مقالات همایش ملی توسعه پایدار روستایی با تأکید بر بخش کشاورزی»، بجنورد، ص ۲۷۰

۱۵. فرجی سبکیار، ح؛ بدری، س؛ سجاسی قیداری، ح؛ صادقلو، ط. و شهدادی خواجه عسگر، ع. «اولویت بندی توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک پرموتی»، مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده استان زنجان، فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی، ش ۷۵، ص ۵۳.

۱۶. گل محمدی، ف. (۱۳۸۳)، «انتقال تکنولوژی مناسب در روستا»، نشریه جهاد.

۱۷. هزارجریبی، ج. (۱۳۸۴)، «کارآفرینی»، تهران، پژوهشکده امور اقتصادی.

18. Anonymous, (2009), "Rural skills training: A generic manual on training for rural economic empowerment", skills and employability department, International labor office.

19. Bantel, K. & Jackson, S. (2000), "Top management and innovations in banking does the composition of the top team make difference", Strategic management Journal, 7: 107-110.

20. Edward, J. & Stuart, E. (2004), "A primer on western Canadian entrepreneurship", the western center for economic research gratefully acknowledges the support of western economic diversification Canada.

21. Heritot, K. (2002), "A new approach to rural entrepreneurship a case study of two rural electric cooperatives", Western Kentucky University and Noel D. Campbell, North Georgia College and State University.

22. Laukkanen, M. (2003), "Exploring academic entrepreneurship: drivers and tensions of university-based business", Journal of small business and enterprise development, 10(4): 372-382.

23. Mohapatra, S.; Rozelle, S. & Goodhue, R. (2007), "The rise of self-employment in rural China: development or distress?" World development, 35(1): 163-181.

24. Maia, L. (2002), "Enhancing entrepreneurship in rural tourism for sustainable regional development: the case of Söderslätt region Sweden", the international institute for industrial environmental economics (IIIEE), international Miljö institute.

25. Wortman, M.S. (1990), "A unified approach for developing rural entrepreneurship in the U.S.", Agribusiness, 6: 221-236.

26. Wortman, M.S. (1990), "A unified approach for developing rural entrepreneurship in the U.S.", Agribusiness, 6: 221-236.

سیستم های اطلاعاتی و ارتباطی، اتصال به منابع اطلاعات و دانش همگانی، گسترش امکانات زندگی در روستاها و مواردی از این قبیل، زمینه را برای توسعه کارآفرینی در روستاها فراهم می کند. در این زمینه کشورها، سیاست های عمده ای را برای ایجاد زیرساخت های کارآفرینی فراهم می کنند که عبارتند از: اعطای تخفیف های مالیاتی، حمایت از صنایع کوچک و متوسط برای مدرنیزه شدن، تشویق صنایع کوچک و متوسط به توسعه همکاری و تشکیل شبکه.

منابع

۱. احمدپورداریانی، ا (۱۳۸۰)، «کارآفرینی: تعاریف، نظریات و الگوها»، تهران، انتشارات پردیس.
۲. امین آقایی، م. (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک از دیدگاه کارشناسان توسعه روستایی»، فصلنامه روستا و توسعه (۴)، ص ۱۲۵-۱۴۶.
۳. بهرامی، ع. (۱۳۸۳)، «فرایند برنامه ریزی توسعه روستایی»، مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی، چالش ها و چشم اندازها، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، تهران، ص ۱۴۵.
۴. پوررجب، پ. (۱۳۸۹)، «آسیب شناسی کارآفرینی روستایی در ایران»، ماهنامه دهیاری ها، ۳۵-۲: ۳۰ (۳۰).
۵. پترین، ت. (۱۳۸۱)، «کارآفرینی به منزله یک نیروی اقتصادی در توسعه روستایی»، از دفتر منطقه ای فانو، ۶۸-۷۵: ۲۵۳ (۲۵۳) در اروپا، مترجم: حمیدرضا زرنگار، مجله جهاد.
۶. حسینی، س.م. و سلیمان پور، م. (۱۳۸۵)، «بررسی اثرات تقویت روحیه کارآفرینی در روند توسعه کشاورزی»، ماهنامه جهاد، ص ۲۶.
۷. رضوانی، م.ر.، نجارزاده، م. (۱۳۸۷)، «بررسی و تحلیل زمینه های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه نواحی روستایی»، مطالعه موردی: دهستان برآن جنوبی (شهرستان اصفهان)، توسعه کارآفرینی.
۸. رکن الدین افتخاری، ع؛ سجاسی قیداری، ح. و رضوی، ح. (۱۳۸۹)، «راهبردهای توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی: مطالعه موردی روستاهای شهرستان خدابنده»، فصلنامه روستا و توسعه.
۹. رکن الدین افتخاری، ع. و سجاسی قیداری، ح. (۱۳۸۹)، «توسعه روستایی با تأکید بر کارآفرینی (تعاریف، دیدگاه ها و تجربیات)»، تهران، انتشارات سمت.
۱۰. سلجوقی، خ (۱۳۹۲)، «آشنایی با کارآفرینی در کشاورزی»، سایت <http://karafarin24.com> قابل بازیابی به تاریخ ۶ دی (۲۷ دسامبر ۲۰۱۳).
۱۱. سیدامیری، ن. و هندجانی فرد، م. (۱۳۹۴)، «راه اندازی کسب و کار در ایران»، تهران، انتشارات ترمه.
۱۲. شهبازی، ا. (۱۳۷۲)، «ترویج کشاورزی در فرایند توسعه»، انتشارات دانشگاه بیرجند، چاپ اول.
۱۳. شکوئی، ح. (۱۳۸۴)، «اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا: فلسفه های محیطی و مکتب های جغرافیایی»، جلد دوم، تهران، انتشارات گیتاشناسی.